PROPERTY OF ACKU

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (هشتم) پنجشنبه ۱۲ثور ۱۳۴۷ هـ (۲) می ۱۹۶۸ع

مبارزهٔ عادلانهٔ خلق پښتونستان در راه حق تعیین سرنوشت

قیام مسلحانه ملی (۱۹۱۹ ع) خلقهای دلیر وزحمتکش افغانستان اعم از پشتون، بلوچ، تاجیك، اوزبك، هزاره، تر کمن به تسلط مستقیم استعمار کهن پایان داد. ولی بکمال تأسف قسمتی از خلقهای پشتون و بلوچ آن طرف خط تحمیلی استعماری دیورند که در راه استقلال خو یش متحداً دو ش بدوش خلقها ی افغانستان فدا کاریهای بیشمار ی نموده اند ، همچنان در زنجیر بردگی استعمار انگلیس وبعداً تحت ستم طبقهٔ حاکمه ا ستعمار گر پا کستا ن با قی ماند ند.

ازآن تاریخ تا کنون جنبش انقلابی رهایی بخش ملی خلقها ی قهرمان پشتون وبلوچ به صورت پیگیر ادامه دارد .

نیروی تر قیخواه د مو کرا تیك خلق ا فغا نستا ن به‌مثابه وظیفه‌ملی وبین المللی خویش وبر مبنای اصل «حق تعیین سرنوشت ملل تا سر حد جدا ئی» از این جنبش انقلابی باجدیت تمام پشتیبا نی می‌نماید .

هرگا ملتی بنا برستم ملی، سیاست تبعیضی، تفوق‌طلبی‌ملی وشوونیزم‌ـ عظمت طلبانهٔ ملت ستمگر حاکم، از تامین عدالت در داخل چو کات یك کشور و دولت معین امید خود را از دست بد هد، آن ملت‌حق‌ووظیفه‌دارد پیکار عادلانه خودرا درراه آزادی از ستم ملی، تاسرحد جدایی از ملت ستمگر، آغاز کند. و مقدرات آینده خویش را بر مبنای اصل «حق‌تعیین سر نوشت ملل»،طبق منافع ملی و اکثریت بزرگ خلق زحمتکش، بادر نظر داشتن اصل مبارزه طبقاتی و ترقی اجتماعی تعیین نماید.

خلق قهر مان پښتون وبلوچ از یکنیم قرن باینطرف در بر ابر اشغالگران استعماری بر تانیه، دوشادوش خلق کبیر هنددریك‌جبهه واحد ، پیکار نموده وبابیش‌از صدها قیام مسلحانه و دادن قربانیهای بی شمار، ضربات مدهشی به‌نیرو های متجاوز استعماری در سر زمینها ی خود وارد کرده اند، تا بالاخره در نتیجه این مبارزات دلیرانه درسال ۱۹۴۷ طومار امپراطوری بر تانیه از سر زمین هند چیده شد و هند دراثر توطئه استعمار، براساس‌مذهب، به دو قسمت تقسیم شد و دولتی به‌نام پاکستان، بحیث پایگاهی‌برای ارتجاع وامپریالزم در دو جناح شرقی وغربی آن، تشکیل گردید.

استعمار گران بر تانیه زمام امور دولت نوبنیاد پاکستان را بدست یك عده از ملاکان فیودال وسر مایه‌داران بزرگ مرتجع سپردند که در ز مان تسلط استعماری خود از وجود آنها به حیث نیروی ضد ملی وضد جنبش استفاده مینمودند وهمین نیـرو هـا

«ص ۲»

پیروز باد نهضت جوان وپرافتخار کارگری کشور

روز او لمی ، رو ز بین المللی‌طبقهٔ کار گر جهان، برای نخستین باردر تاریخ‌مبارزات سیاسی‌کشورمابه ابتکار نیروی پیشرو دمو کراتیك خلق افغانستان با تظا هرات عظیم‌وپر شکوه تجلیل شد .

کار گران قهر مان کشور ،رو شنفکران و عدهٔ کثیری‌ازشهریان کابل با شورو شوق بی نظیر دراین‌تظاهرات عظیم اشتراك کردندوفریاد های «زنده‌باد طبقهٔ جوان کار گر»فضای شهر را به لر زه در آورد .

پرچم: این اقدام قهر ما نا نه‌کارگران کشور را در برا بر استثمار وستم سر مایه و زور گو ئی طبقات حاکمهٔ‌مرتجع‌صمیمانه‌شادباش‌میگوید

ـ درود آتشین به‌اتحاد کار گران، زحمتکشان وروشنفکران‌مترقی کشور.

ـ پیروز باد وحدت نیرو های‌دمو کرا تیك خلق !

گزا رش مفصل این تظاهرات درآینده نشر می شود .

توقیف ظالمانهٔ محمد اکرم کارگر

بکمال تاسف اطلاع گرفته ایم‌که‌شام روز۱۰ ثور ۱۳۴۷ محمد اکرم کارگر شـرکت سـرویس از طرف‌پولیس«بجرم» ایراد بیانیه بر آرامگاه محمد عارف فقید ، کارگر شر کت‌سرویس که خبر فوت وی قبلا نشر گردید، و هم بمنظور جلو گیری ازاشتراك وی در مظاهره روز اول می دستگیر وتحت تحقیق گرفته شد.

پرچم: طبق قانون در راه رها یی‌محمد اکرم کارگر وطنپرست‌باجدیت تمام مبارزه خوا هد کرد. واین عمل‌خودسرانه پولیس‌راجداًمحکوم‌میکند.

(بیرك کارمل)

ملاکین فیودال دشمن عمده طبقاتی خلق افغانستان

به منظور اینکه توده ها ی عظیم خلق منحـرف نگـردد و در جنبش دموکراتیك و ملی کشور بـه سوی هدف غایی به پیروزیهای شگوفـان دست‌یابیم، بایدتوجه خودرابشناخت دشمن عمده خلق معطوف سازیم .

ازآنجاکه «مبارزهٔ طبقاتی سر ـ چشمه تکامل جامعه اسـت»، بـرای تعیین جهت‌صحیح واصلی‌مبارزه‌باید در نظر داشت که در هرجامعه‌طبقاتی طبقات‌اصلی‌وطبقات‌فرعی‌وجوددارند. طبقات اصلی درکشور ما که باشیوه مسلط تو لید در ارتباطند عبـارتند از طبقات متخاصم دهقانان و مالکین ارضی (فئودالها) .

در افغانستان اساس منا سبا ت تو لید فئو دالی را مناسبات مالکیت فئودالی بر وسایل تو لید وقبل از هر چیز برزمین و همچنیـن تسلط کا مل بر دهقانان تشکیل مید هد . به‌عبارت ساده تر: منـاسبات مسلط تولیددر کشـور، استثمار دهقـانان از جانب ملاکین‌فئودال است .درست است که‌از یکسو شکل فئودا لیـزم درکشور ماباا شکال خاص فئو دالیزم قرون وسطایی اروپای باختری ودیگر کشور ها متفاوت است و همچنان در چند دهه‌اخیرفئودالیزم بنابه‌تغییرات نسبی دروسایل‌تولید(جاده‌ها، بندها کانالها، فابریکات... وغیره) وظهور مناسبات سر مایه داری در شهر ها، روبه زوال است، معهذا تاکنون د ر نقاط مختلف کشور مناسبات‌فئودالی وبقایای آن(وهمچنان منا سبات‌قبیله وی) تسلط دارد و تضاد عمد هٔداخلی در جامعهٔ ما مـیان تـوده‌های عظیم دهقانان و ملاکان ار ضی (باارتباط تضاد اساسی خلق مابه‌امپریا لیزم) پابر جاست .

باید خاطر نشان سـاخت که در زندگی اجتماعی تشخیص تضادعمده یااصلی اهمیت بسیار کسب میکند. یافتن تضاد اصلی به طبـقا ت وبه نیرو های تر قیخواه امکان مید هدکه سیاست درستی در مبارزه برای خود تعیین نمایندوجنبش‌رابجهت‌پیروزی رهبری کنند.

در زندگی اجتماعی کشورما دهقانان یکی از نیرو های محرك عمده نابودی فئودالیزم در جنبش‌دمو کـراتیك و ملی کشور بشمار میروند و مبارزه طبقاتی روز تاروز دربـین‌دهـقان و مالك.ز مین اشکال جدی تری بخود میگیرد. در افغانستان دهقا نـان و فئودالها بمثابه طبقات متخاصم‌اصلی وارد صحنه مبارزه اندو زحمتکشان شهر بخصوص کـارگـران ماشین (به حیث پیشرو ترین نیروی‌مبارزه) وپیشـه وران ودیـگر نیـرو های دمو کراتیك در اتحاد با دهقانان‌قرار میگیرند .

در افغانستان طبقه ملاکین‌فئودال باتحاد تجار بزرگ‌دلال وبیروکراتها به حیث طبقه حاکمه از لحاظ ماهوی با امپریالیزم وابسته اند که نماینده عقب افتاده ترین وارتجاعـی تر ین مناسبات‌تولیدی‌درافغانستان‌میباشند واز رشد نیرو های مو لده جلو گیری میکنند. طبقه مالکین بزرگ ارضی و متحدین وی دشمنان عمده خلق اند که بهیچوجه با هدفـهای جنبش و تغییرات سریـع کیفـی وبنیـا دی افغانستان توافق نمیکنند وگروه‌ضد جنبش دموکراتیك وملی ، وارتجاعی دست راستی افراطـی را در کشور تشکیل میدهند. نمایندگان سیاسی این طبقات حاکمه در دولت و محافل حاکمه سیاسی کشور فراوان اندوهم اکنون ا ین گروه ها برای حفظمنافع طبقاتی خود شعوری متشکل میشوند ودر تلاش ایجاد سازمان‌های سیاسی (احزاب) بخصوص خود میباشند.

وضع مالکیت ارضـی در دهـات افغانستان:

طبـق احصائیه هـای تخمینی‌در دهـات افـغـانستـا ن مـا لکـین سی فیصد نفوس دها ت را تشکیل میدهند که از آنجمله : (۱) ملا کین بزرگ فئودال‌دو فیصد که ۴۰فیصد زمین را مالك اند. (۲) مالکین‌متوسط مـرفـه الحـال ۸ فیصـد کـه ۳۰ فیـصـد ز مـیـن را در د ست دارند. (۳) مالکین کوچك ۲۰ فیصد نفوس که مالك ۲۰ فیصد زمین اند.

در کشور ما مالکیت فئودالها بر زمین به اشکا ل ذیل دیده میشود: مالکیت فئودالهای اصلی محـلی و استیلاگر، مالکیت‌روحانیون بزرگ، مالکیت اشراف، وصاحبان حسب و نصب، مالکیت ماموران رشوه خوار

(ص ۲)

مژده:

بنابر تقاضاهای پیهم خوانندگان‌ارجمند مبنی بر اینکه باید مضامین‌بښتووفارسی‌پرچم‌دریك نسخه چاپ شود وهمچنان استقبال گرم مردم‌ازنشرات پرچم . این نشریه بعد ازین‌به قطع بزرگتر ، مضامین بیشتـر ومتنوعتر بروز های دوشنبه بخدمت‌علاقمندان گرامی تقدیم می شود .

س: کشتمند

سیاست درهای باز

اقتصاد ناتوان کشور را ناتوانتر میسازد

- ۲ -

حوزه «آزاد» تجارتی

قسمت بیشتر تجارت خارجی ما با کشورهای غیر سوسیالیستی بشکل مبادلهٔ آزاد، براساس سیاست درهای باز صورت میگیرد وازینطریق بحساب رنج ودشواریهای اقتصادی ملیونها انسان زحمتکش وطن، مشتی تجار بزرگ دلال وکمپرادور وتجارو نمایندگی های انحصارات خارجی، باهمکاری ومزج سرمایه های شان بایکدیگر سود هنگفتی بجیب میزنند وحاصل کار وزحمت مردم را بغارت میبرند.

امپر یالیسم بادستیاری دلالان داخلی خود میکوشد که ممالک کم- رشدی چون افغانستان رابه تولید چند نوع اموال صادراتی محدود کند وخود هرچه بیشتر اجناس مصرفی خودرا به انواع مختلف بفروش برساند ودر عوض اسعار بگیرد وهیچگونه تعهدی هم برای خرید اموال ازینکشور ها نداشته باشد.

هرگاه احصائیه های رسمی تجارت خارجی افغانستان ملاحظه گردد، بروشنی میتوان دریافت که از حجم صادرات ما به کشور های حوزه آزاد تجارتی از یکسال تاسال دیگر، بمیزان قابل ملاحظه ئی کاسته میشود. اما برعکس مقدار واردات ازآنکشور هاافزود میگردد. بغرض تصویر بهتر این میلان بجهت کاهش صادرات و افزایش واردات درین نوع مبادله، ارقام وحقایقی را تذکار میدهیم :

در کتاب تحلیل اوضاع اقتصادی منتشره ازطرف وزارت پلان اعتراف میگردد: «صادرات افغانستان (در سال ۱۳٤٥) به حوزه آزاد بمقایسه سال ۱۳٤٤ سقوط نموده است، چنانچه صادرات به انگلستان و جرمنی که ممثلین برجسته حوزه آزاد استند بالترتیب ۱۲فیصد و۹فیصد سقوط نموده است...» در حالیکه براساس احصائیه های همین کتاب واردات ماازآلمان غرب در سال ۱۳٤٥ بمقایسه سال ۱۳٤٤ به اندازهٔ ۱۹ر٥ فیصد افزایش یافته است و همچنین دربین این دو سال درحجم واردات ازایالات متحده امریکا ۸ر۹۱ فیصد ازدیاد بعمل آمده ودر مقابل سطح صادرات به آنکشور به اندازهٔ ۱۹ر٥۰ فیصد پائین افتاده است.

به این دو رقم توجه فرمائید: در سال ۱۳٤٤ برطبق احصائیه وزارت تجارت، معادل ۸۷ر٤ ملیون افغانی اجناس تولیدی از هسپانیه در برابر رقم صفر صادرات به آنکشور، وارد وطن ما گردیده است وجاپان در مورد خریداری اجناس صادراتی ما خیلی سخاوت(!) بخرچ داده وبرای اینکه جایش در لست کشور های واردکننده اموال صادراتی افغانستان خالی نبا شد، مقدار قلیلی کشمش ویادیان به ارزش (٤۰۰) هزارافغانی خریداری کرده ودرمقابل میدانیدچه اندازه امتعهٔ خودرا به اینکشور صادر کرده است؟! معادل(٥٦۰) ملیون افغانی، آنهمچه چیزهائی (!). درسال ۱۳٤٥ در حجم واردات از جاپان بازهم۲۰ فیصدافزودی حاصل گردیده، درحالیکه کمترین صادراتی هم به آنکشور نداشته ایم.

تذکر این نکته لازمی است که: احصائیه های رسمی مربوط بواردات ازکشور های حوزه «آزاد» تجارت، بنابر ترتیب بیجکهای جعلی و

(ص۳)

«بقیه صفحه اول»

ملاکین فیودال دشمن عمده ...

بزرگ دولت(بیرو کراتها)، مالکیت تجار بزرگ دلال، که همه در شکل باهم متفاوت اند ولی ماهیت همهٔ آنها یکی است وبه حیث مالکین ارضی (فئودالها) بشمار میروند وبا هم دریك طبقه حاکم شامل اند.

باید خاطر نشان کرد که روابط تولید سرمایه داری در دهات افغانستان ناچیز میباشد. سرمایه داران تجاری وصنعتی عیناً مثل ما لکین ارضی در دهات خصوصیت فئودالی را حایزند. مستأ جران بزرگ (کولاکها)، در کشور رشد نیافته بسیار ضعیف وناچیزند.

در افغانستان تخمیناً هفتاد فیصد نفوس دهات را به استثنای کوچیان زحمتکشان ده تشکیل میدهند که از آنجمله مزدوران کشاورزی یانیمه پرولتاریاکه به شدید ترین نوع استثمار میشوند بیست فیصد، دهقانان اجاره دار وکشتمند و بی بضاعت٤۰فیصد، وپیشه وران و شاگردان کار گاههای دستی ده فیصد را تشکیل میدهند که یافاقد زمین وبی چیزند ویاصاحب یك جریب ودو جریب وسه جریب .... زمین میباشند وراجع به هریك آنها درآینده صحبت خواهیم کرد.

(نفوس کشور در سال ۱۳٤۷ در حدودشانزده ملیون تخمین گردیده که منجمله ۳ ملیون بصورت کوچی، ۱۱ر۳۷ ملیون در دهات و۱ر٦۳ ملیون در شهر ها زندگی میکنند.

درافغانستان ۳۹ملیون جریب زمین تحت زرع میباشد،- ماخذطرح پلان سوم- تخمین در حدودهفتاد فیصد عواید ملی از زراعت تامین می گرددو ۸۷ فیصد نفوس کار گر کشور مشغول کشاورزی و مالداری اند.)

اشکال عمده استثمار و مناسبات فئودالی در دهات افغانستان:

مسلم است که مقاصد و اهداف مبارزه مشترك طبقه کار گر ودهقان در کشور های مختلف متباین است. در کشور هاییکه مناسبات فئو دالی یابقایای این مناسبات قویاً وجود داشته باشد نخستین و مهمترین وظیفه دموکراتیك عبارت است از مبارزه در برابر فئودالیزم، دربرابر اشکال استثمار فئو دالی دهقانان.

عمده ترین اشکال استثمار و مناسبات فئودالی در دهات افغانستان قرار ذیل است :

- ملکیت های بزرگ زمین(بادرنظر گرفتن مناطق مختلف کشور از لحاظ وجود زمینهای آبی، للمی، قلت زمین زراعتی وتراکم نفوس وکثرت زمین زراعتی وقلت نفوس) در دست ملاکین بزرگ (فئودالها) است.

توده های عظیم دهقانان فقیر بنابر فقر کشندهٔ که دامنگیر اکثریت آنهاست قادر نیستند قطعه زمین شخصی برای تامین حد اقل زندگی خود داشته باشند ویا خریداری کنند لهذا طبعاً دهقانان بنابر روابط حقوقی کهنهٔ مسلط درجامعه مجبور استند که قطعه زمینی را بصورت اجاره و دهقانی وکشتمندی از ملاکین بشرایط اسارت آور بگیرند. وبدین ترتیب عواید فراوان قشر های مختلف طبقه ملاکین فئودال از طریق استثمار بی رحمانه مولدین مستقیم یعنی دهقانان بدست می آید. سطح استثمار در کشور روز افزون و حادتر میگردد. این وضع تضاد آشتی ناپذیر(انتیگونستیك) را در نظام فئودالی کشور نشان میدهد.

عمده ترین شکل استثمار فئو دالی اخذ بهرهٔ مالکانه بصورت جنس و بعضاً به شکل نقد میباشد که ازمحل دهقانی واجاره زمین پرداخته میشود.

دهقانان واجاره داران بطورمتوسط از پنجاه در صد تا هشتاد در صد مجموع محصول یعنی دسترنج خود را بصورت بهرهٔ مالکانه به مالك میپردازند.

باید خاطرنشان کرد که تاکنون قانون اجاره داری و دهقانی در افغانستان وجود ندارد. و در تقاطع مختلف کشور طبق قرار داد های کوتاه مدت عرفی وتعاملی معیار مختلفی برای پرداخت اجاره و دهقانی که غالباً فوق العاده ظالمانه وشدیداً استثمار کننده میباشد استقرار دارد.

- نظام فرتوت سرویس کار بالای زمین ملاك درافغانستان از بیرحمانه ترین نظام ها در آسیا می باشد. دهقانان بنابرعدم یك نظام حقوقی مدنی مجبورند که زمین ملاك رابوسایل

(ص۳)

از(ص اول)

مبارزه عادلانه خلق پښتونستان...

بودند که به حیث محافل حاکمه پاکستان، ادامه دهندهٔ سیاست نو استعماری گردیدند و موانع بزرگی در راه نهضت آزادی بخش ملی خلق پښتون و بلوچ ایجاد نمودند.

محافل محاکمه پاکستان برای تحکیم تسلط خود وجلوگیری از نفوذ افکار مترقی، باایجاد شعار های دروغین «وحدت اسلامی» و«مسلمانان یك ملت اند»، فجایع بزرگی را مرتکب شدند و دها واقعهٔ خونین وغیره - انسانی را بوجود آوردند، مانند فاجعهٔ قتل عام چارسده، بمباردمان هوایی و زمینی قراء پیرامون پښتونستان وغیره.

جمعیت ملی و مبارز «سرخپوشان» راکه به رهبری زعیم بزرگ ومحبوب خود، خان عبدالغفار خان در طرداستعمار از نیم قاره هند وبدست آوردن آزادی آن، قربانیهای عظیمی رامتحمل گردیده بود، منحل کرده و رهبران وپیشآهنگان سرسپردهٔ جریانات سیاسی پښتون و بلوچ را به وحشیانه ترین وجهی حبس، تبعید واعدام نمودند و بالاخره سیاست ترور واختناق را به فجیعترین شکل آن، در برابر نهضت آزادیخواهی مردم پښتونستان در پیش گرفتند.

زمامداران پاکستان با پیروی از سیاست ستم ملی، پلان ظالمانهٔ «یك - یونت» پاکستان غربی را تطبیق و سرزمین پښتونستان را، بدون در نظر گرفتن آراء مردم آنجا، به ولایت پنجاب ملحق و با این عمل ضد دموکراتیك خود، رشد اقتصادی سیاسی و فرهنگی خلق پښتون وبلوچ را مختنق کردند.

هر نوع حقوق وآزادی های ابتدائی آنهارا که در اثر مبارزات شدید با استعمار گران انگلیسی بدست آورده بودند، زیرپا نمودند. وبرای حفظ تسلط استعماری و منافع طبقاتی خود با شامل ساختن پاکستان در پیمان های امپریالیستی سنتو وسیتو پاکستان وسرزمین پښتونستان رابه پایگاه نیروهای ارتجاع وامپریالیزم بین المللی بالخصوص امپریالیزم امریکا مبدل ساختند.

هیأت حاکمهٔ پاکستان که ازپشتیبانی همه جانبه نظامی، سیاسی واقتصادی امریکا بر خوردار است، از راه تبلیغات ارتجاعی علیه هرنوع جنبش- های مترقی، دموکراتیك و ملی در داخل، و در خارج علیه کشور های صلحدوست فضای بی نهایت متشنج وغبار آلودی را دراین گوشهٔ جهان ایجاد کرده است وبا تبدیل پاکستان به مرکز تجاوز، توطئه، جاسوسی، سبوتاژ وتحریکات علیه کشور های صلحدوست و همسایه، رقابت های خطرناك تسلیحاتی رابه ضرر رشد اقتصادی کشور های روبه انکشاف این منطقه، براه انداخت. وبا ین وسیله از هیچنوع تجاوزوستم بر خلقهای سرتاسر پاکستان وسرکوبی جنبش آزادیبخش پښتونستان دریغ ننمود. ولی محافل حاکمه سیاسی پاکستان باوجود این همه تشدد و توطئه، نتوانستند مبارزه عادلانه خلق پښتونستان وبلوچ را خاموش سازند، بلکه بر عکس مبارزه آنها عمق ووسعت بیشتری پیدا کرده وتا کنون باشکال مختلف مسالمت آمیز

(ص۳)

(بقیه ص ۲)

ملاکین فیودال دشمن عمده ...

فوق‌العاده ابتدایی قرون وسطا یی کشت کنند وعوارض غیر مستقیم و مستقیم (اخذ سورسات) ، عوارض اربا بی وغیره . . .) بپردازند وانواع کار های بیگاری رابرای‌مالك انجام بدهند.

در حقیقت‌دهقانان‌فقیر واجاره‌دار وکشتمند وکارگران مزدور زراعتی باتمام اعضای خانواده خویش ظاهراً آزاد ولی مانند«سرف» عملا وابسته به زمین استند.

ـ قروض دایمی وسود فاحش و سلم کمر شکن ، اکثریت دهقانانرا در قید اسارت ملاکان وسود خواران در آورده است. وجود سود ظالمانه در دهات کشورکه سالیان درازدهقان قادر به پر داخت آن نمی شود وبه مرور زمان‌افزودمیگردد حتی خانواده های دهاقین را عملا به بردگی سوق میدهد .

ـ شیوه استبداد سیاه شر قی محافل حاکمه سیا سی کشور و دستگاه اداری‌فاسددولت که برمبنای مناسبات اقتصادی واجتماعی‌فئودالی استوار میباشد، طوری‌ستمگرانه‌در جریان است‌که همیشه دهقانان را دستخوش هوی و هوس ماموران و افسران‌محلی‌حکومت، قضات، پولیس وژاندارم که معمولا در خدمت‌ملا کین بزرگ ومتنفذین محلی (سردار ها، خوانین، اربابها، روحانیون بزرگ بایها، ملك ها، میر ها، بیگ‌ها، آقسقالها... و غیره) استند ، قر ار میدهد .

ـ یکی دیگر از اشکال استثمار فئودالی همانا عبارت‌از استثمار تاجران بزرگ دلال و ابسته به امپر یالیزم است که از راه خر ید وفروش وصدور محصولا ت زراعتی کشور سودهای فراوان بدست می آورند .

در همین شیوه استثمار است که استثمار امپر یالیستی از طریق کمپرادور های داخلی‌مطرح بحث‌قرار میگیرد .

مو جز اینکه‌دراثراین همه‌استثمار شدید وبی رحمانه، توده های عظیم دهقانان افغانستان در فقر و فاقه بیکران بسر میبرند .

نتایج تسلط مناسبات فئودالی در افغانستان عبارت است از: کسر مزمن تولیدات‌زراعتی وقلت‌غله،عدم رشد سریع نیرو های تو لیدی که محرك ترین وانقلابی ترین جزوتولید است ، عدم رشد صنایع ملی، عقب ماندگی تخنیك زراعتی، فقر، آوارگی جهل‌وبیماری اکثریت عظیم دهقانان کشور، سیر صعودی سر سام آور قیمتها، عدم استقرار بازار مواد زراعتی ... وغیره .

مسلم است که‌تا مناسبات وروابط فئودالی‌در کشورمسلطباشد وهرچه زودتر اصلاحات عمیق اساسی و دموکراتیك ار ضی (طبق مرا م دموکراتیك خلق) بشرکت‌همه‌دهقانان وبه نفع دهقانان اجرا نگردد وتجارت خارجی ملی نشود (در پهلوی دیگر تحولات بنیادی اجتماعی...) ناممکن است‌که: زمینهٔ رشدسریع اقتصادی وتامین استقلال‌اقتصادیرا تهیه دید کشور راصنعتی‌ساخته، نفوذاستعمار نوین وامپر یالیزم وتسلط هوا داران ارتجاعی داخلی آنرا طرد کرد و دمو کراسی‌رادرکشورتحقق بخشید، ترقی اجتماعی را تامین کرد وبه فقر مردم خا تمه داد .

«پایه های فئو دالی میتواند فقط تحت فشار جنبش دمو کرا تیك‌تمام خلق منهدم شود.

فقط اصلاحات عمیق ارضی و جنبش وسیع دهقانی میتواند بقایای رژیم قرون وسطائی را که سد راه تر قی نیروهای مولده استند درهم نوردد»

ما معتقدیم که در آخر ین تحلیل تنها نیروی خلق بر مبنای اتحادطبقه کار گر و دهقانان به پیشر وی و رهبری طبقه کار گر وسازما ن پیش آهنگ سیاسی‌آن قادراست‌که مناسبات اقتصاد فئودالی ونفوذ سیاسی آنرا براندازد. ودهقانانی را که بالای ز مین کار میکنند صاحب زمین گرداندوتغییرات کیفی وبنیادی سیاسی،اقتصادی، اجتماعی‌وفرهنگی را در جا معه بوجود آورد .

از آنچه در بالا بصورت مقد ماتی توضیح شد نتیجه گرفته میشود که ملاکین فئودال‌به اتحاد تاجران‌بزرگ دلال‌وبیروکراتها (وهمچنان آن قشر روشنفکران که مدافع این طبقات‌اند) که شعوری یاغیر شعوری‌بامپریالیزم وابسته اند،دشمنان‌عمده خلق‌ومانع عمده استحکام استقلال ملی، تعمیم دمو کراسی در حیات‌اجتماعی، ترقی اجتماعی وپیشرفت‌جا معه افغانستان دراین‌مرحله‌تاریخی‌جنبش دموکراتیك وملی اند.

.....

یاد داشت :

چون تاکنون در زمینهٔ مناسبات وروابط وسایر خصوصیات نظام فیود الی در جامعهٔ نا منکشف ما تحقیقات و مطالعات علمی و عیمقی صورت‌نگرفته واحصائیه ها وارقام دقیق ومطمئن وجود ندارد ، لذا تحقیقات ما دربارهٔ مناسبات فیودالی افغانستان روی کلیات و احصائیه های تخمینی استوار است .

بنابران از تمام رفقا ، دوستا ن وهموطنان ارجمند خواهش میکنیم در هر کجای کشور که‌هستند تحقیقات ، انتقادات ، معلومات و نظریات خویش رادربارهٔ خصوصیات واشکال‌استثماروستم‌نظام فیودالی، ما قبل فیودالی وقبیلوی افغانستان به ما ارسال دارند .

(بقیه ص ۲)

مبارزه‌عادلانه..

وقهر آمیز پنهان‌وآشکار علیه‌بدترین شکل ارتجاع واستبداد ادامه دارد . وخلق پښتون وبلوچ دراین مبارزه عادلانهٔ خویش از همدردی عمیق‌خلق شریف پاکستان، پشتیبانی وتا ئید همه نیرو های انقلابی وصلحدوست جهان‌به خصوص مردم زحمتکش افغانستان بر خور دارند .

جریان دموکراتیك خلق افغانستان بنابر ماهیت ضد استبدادی وضد استعماری خویش ونظر به علایق عمیق تاریخی ای که بین خلقها ی افغانستان وپښتو نستان وجود دارد، حمایه وپشتیبانی ازمبارزهٔ عادلانه و جنبش آزادی بخش ملی مردم‌پښتون وبلوچ را علیه استعمار وظیفه ملی‌و بین‌المللی خودمیداند ودر این راه از هیچنوع کمك وفداکاری در یغ نمی کند .

حمایه وپشتیبانی ما از مبارزات خلقهای پښتو نستان مبنای محکم اصولی وریشه عمیق تاریخی دارد وهر گز تابع‌نوسانات سیاسی‌درینجا وآنجا نبوده‌و نخواهد بود.ما رویهٔ سازش کارانه وسیاست عوام‌فریبانه محافل حاکمه ارتجاعی افغانستا نرا در مورد جنبش ر ها یی بخش پښتونستان جدا تقبیح می نما ئیم .

اکنون‌ماهیت این «سیاست‌دفع‌الوقت» حکومت‌ها به همه آشکار گردیده و موانعی که در راه تشکیل «حکومت آزاد مو قتی» پښتو نستا ن ایجاد میگردد موجب نگرانی‌وعدم رضائیت کلیه نیرو های متر قی ووطن پرست میباشد .

مبارزه اصولی در راه از بین‌بردن این موانع وذهنیت های تنگ نظرانه انحرافی در برابر جنبش آزادی‌بخش پښتو نستان که به سود ار تجاع و امپریالیزم وغالباً ناشی از منابع امپریالیستی وارتجاعی میباشد از وظایف ملی، دمو کراتیك و متر قی جریان دمو کراتیك خلق افغانستان است.

(میراکبر خیبر)

(بقیه ص ۲)

سیاست درهای باز

سازشهای گمرکی، غرض گریز از پرداخت محصول، حتی دو ثلث‌ارقام واقعی رادر زمینه هم ارائه کرده نمیتواند. تاچه رسد به ورود اموال قاچاقی که در قید هیچگونه بند و احصائیه ئی نیست وبازار های سر تاسر کشور را استیلا کرده‌و آنهم همه اموال کم دوام وبدکیفیت که وجود آنها زاید است .

اینوضع یکی ازدها شیوهٔ نفو ذ استعمار نوین‌دراقتصاد ناتوان‌کشور ماست. امپریالیسم بانیرنگهای‌جدید استعماری واشکال توطئه آمیز و طرح سیاست به اصطلاح اقتصاد منطقوی وتشویق وترغیب طبقات حاکمه کشور های وا بسته بخو د (پاکستان، ایران....) جهت صدور اموال استهلاکی که غالباً زائیده سرمایه گذاریهای انحصارات امپریالیستی دراینکشورها میباشد، سعی میکند تااز ینطریق نیز در اقتصاد کشور مانفوذ خودرا بسط وتوسعه دهد.درینمورد مطالب‌زیادی گفتنی است که درجای خودش مورد بحث قرار خواهد گرفت اما دراخیر این مبحث خاطر نشان میگردد که هرگاه جلو نفوذ اقتصادی استعمار نو گرفته نشود وتورید بی‌بند وبار اجناس مصرفی از کشور های امپریالیستی ووابسته به آن که از طریق تجارت مبتنی بر مبادله آزاد که‌با اعلانات واشتهارات رنگین و عوامفریبانه دامنهٔ‌آن‌وسیعتر میشود، محدود نگردد و به سیاست وارداتی درهای باز وقاچاق پایان داده نشود، افغانستان بزودی به یك مستعمره اقتصادی کشور های شامل حو زه «آزاد» تجارتی وبخصوص دوکشور پاکستان وایران تبدیل خواهد شد.

(قسمت دیگراین‌موضوعرا در شماره آینده مطالعه فرمایند)

پرچم

شمارهٔ آینده بروز دوشنبه نشر میشود .

سال تاسیس : حوت ۱۳٤٦

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول : سلیمان «لا یق»

آدرس : غوثی مارکیت

محمد جانخان واټ

کابل ـ افغانستان

نمبر حساب جاری جریده:

۳۸۵۳ پښتنی تجار تی بانك.

ا شتراك

مر کز: سا لانه ۱۰۰ ـ افغانی

ولایات و پښتو نستان: سا لانه ۱۱۰ ـ افغانی

خارج کشور : سا لانه ۱۰دالر

قیمت یك شماره: ۲ـ۱ فغانی

دولتی مطبعه

اول ماه می

یا روز همبستگی کار گران جها ن

هشتاد و دوسال قبل ، بروز اول ماه می ۱۸۸٦ ، کار گران‌شهر شیکاگوی اضلاع متحدهٔ امریکا ، بغرض تقلیل سا عا ت کار و علیه اخراج یك عده از کار گرا ن از کار گاه ها ، استثمار بی رحمانه وشرایط طاقت فرسای کار ، دست به اعتصاب زدند . ولی در اثر آتشباری وحشیانه پولیس ، چندین تن از کار گران بطور فجیعی کشته شده‌وتعدادزیادی هم‌زخمی گردیدند.

بروز سوم این فاجعه غم ا نگیز درست در هنگام تدفین کار گران شهید ، بار دیگر پولیس به کار ـ گران حمله برد و د ر اثر زدو خوردیکه بین آنان صورت گر فت، بیش، از سه صد نفر کار گرکشته و زخمی گردید . عده کثیری از کارگران بیگناه را رهسپارزندانها کردند ودر نتیجهٔ یك محاکمهٔ دستوری شش نفر از کار گران زندانی محکوم به اعدام شد ، که از آن جمله چهار تن را به چو بهٔ دار بستند .

یك سال بعد ازین فا جعهٔ دردناك کارگران اضلاع متحدهٔ امر یکا دست به اعتصاب وسیعی زدند که بالاثر در۱۸۸۹ روز اول ماه می ، بنا به درخواست کارگران امریکا ، ازطرف کنگرهٔ بین‌ا لمللی کار گران بحیث‌روزکارگر برسمیت‌شناخته‌شد

با آنکه از فاجعهٔ اول ماه می ، ۸۲ سال میگذرد ، هنوز خاطر هٔ آن در قلوب مردان و زنان کار گر جهان مقام گرامی وارجمندی دارد و هر سال آنرا بحیث روز جشن کار ـ گری باشکوه و عظمت خاصی‌تجلیل می نمایند .

پرچم : یك بار دیگر جشن ماه‌می را به کافهٔ کارگران جهان و کشور از صمیم قلب تبریك میگوید و موفقیتهای درخشان شانرا درمبارزه علیه استثمار بخاطر رهائی از هر نوع ستم آرزو دارد .

طبقهٔ کار گر به موازات تشکیل‌اتحادیه های کارگری وصنفی خود ، باید به سازمان واحد سیا سی‌خویش بپیوندد .

اعتصاب کار گران پیشر وجنگلك

ادامهٔ نهضت کارگری افغانستان است

کار گران زحمتکش فا بریکهٔ جنگلك بروز ۷ثور دست باعتصاب قانونی زدند .

یکی ازکار گران اظها ر ددشت: «کارگران این فابریك بارها مطالبات خودرا‌بکار فرمایان‌فابریك‌رسانیدند اما بابرخورد ظالمانهٔ آنان مواجه شد ند» .

کارگران نجیب ودلیر جنگلك بخبر نگار پرچم گفتند که علت‌عمدهٔ اعتصاب شان اینست که تا کنو ن بمطا لبات مبرم روز مرهٔ آنان کوچکترین اعتنایی نشده است، و افزودند که عمده ترین مطالبات کنونی ایشان قرار ذیل است :

ـ افزایش عادلانهٔ دستمزد .

ـ تأمین استحقاق سالانه ۷۰روز رخصتی ، مریضی وتفریحی باحقوق برای کارگران .

ـ تهیه وسائل حمل ونقل کارگر ازمحل رهایش تا فابریك‌وبالعکس.

ـ داخل شدن خانوادهٔ کارگر در بیمهٔ صحی .

ـ تهیهٔ لباس کار بدون پرداخت پول برای کارگران .

ـ انتقال پول ذخیرهٔ کارگران ببانك واعادهٔ بامفاد آن بعد از سبکدوشی شدن کارگران ازکار .

ـ توزیع کوپون و تأمین رخصتی بعداز ظهر پنجشنبه برای کارگران.

تاجاییکه جریان این اعتصاب توسط خبرنگار پر چم تعقیب‌گردید کارفرمایان جنگلك بتأسی ازخصلت ضدکارگری خود اینبار نیز مطالبات کارگران جوان وستمکش فابریکه‌را دفع‌الوقت کردند ودر راه تأمین مطالبات زحمتکشان هیچگونه‌اقدامی بعمل نیاوردند .

پرچم: که دفاع ازحقوق‌کارگران زحمتکش کشور را ماموریت تاریخی خود میدانند از اعتصاب قانونی کارگران جنگلك دفاع وپشتیبانی مینماید وآرزومند است که‌کارگران سر تاسر کشور با هم متحد شوند، این اتحاد بین صفوف کارگران وقتی امکان پذیر خواهد بود که طبقهٔ جوان کارگرافغانستان اتحادیه های دموکراتیك خودرا ایجادنمایند وبهیچ‌فرد، جریان ونیرویی اجا زه ندهند که در صفوف آنان رخنه و پراگندگی ایجاد نما یند .

پیروز باد نهضت جوان کارگری در کشور !

پیگیر ترین مبارز در راه انجام‌جنبش دموکراتیك و ملی ، در راه نجات خلق افغانستان‌وترقی‌اجتماعی،طبقهٔ کار گر جوان کشور است .

اخراج کارگران نساجی

گلبهار

میگویند کار فرمایان فابریکهٔ‌نساجی گلبهار یکعده از کار گران را از کار اخراج می نمایند .

گفته می شود ، علت این امر پائین افتادن سطح تولیدات فابریکه وکمبود پختهٔ مورد نیاز می با شدکه نتیجهٔ آن علاوه بر اخراج یك‌عده از کار گران ، تقلیل ساعات کاروکم شدن مزد سایر کار گران است.

پرچم : اگر این امر حقیقت‌داشته‌باشد، ماآنرا نمونهٔ دیگری‌ازسیاست غلط اقتصادی دولت میدا نیم‌که‌نتیجهٔ جز آوار گی کار گران محروم کشور ندا رد .

حقوق کار گران تلف میشود

مقامات مسؤول ریاست برق کابل به بهانهٔ نداشتن بودجهٔ کافی (!) سهمیه کوپراتیف کار کنان فنی (رتبه یك تارتبه چهار) شرکت را قطع کرده است. درحالیکه معاشات ناچیز کار گران تحت تاثیر صعو د سرسام آور قیمتها حتی‌حد اقل زندگی شانرا تأمین کرده نمی‌تواند، قطع سهمیه‌کوپراتیف‌آنان‌بردشواری های زندگی شان می افزاید .

پرچم : جداً میخواهد تا به چنین خودسریها که باعث اتلاف حقوق و پریشانی کارگران می‌شود، خاتمه داده شود .

تعداد کار گر ا نیکه درسال ۱۳٤٦ در امور تو لیدی کشور اشتغال دا شته اند

ـ در مؤسسات فعا ل صنعتی ۲۸ هزار نفر .

ـ در امورجیولو جیکی‌وساختمانی ۸۳ هزار نفر

ـ درامور ترانسپورت و مخابرات (بدون ماموران اداری) ۱۵هزار نفر.

ـ درصنایع دستی ۲۰۰ هزارنفر.

ـ در سایر رشته ها (فعالیت‌های تولیدی در دهات) ۱۰۰ هزار نفر .

طبق تخمینات اخیر در حدو د ۸۰ هزار نفر کارگر ماهر ونیمه‌ماهر پس از تکمیل پروژه های پلان اول ودوم اقتصادی کشور که از دهات غرض کار به پروژه های انکشا فی رو آورده بودند، اکنون بیکار اند .

بمناسبت اول ماه می

به طبقهٔ جوان کارگر

بیا ...!
بیا ای کار گر ،
ای درنبرد زندگانی گرد رزم آو ر !...
آیاعصر آفرین نیروی دورانساز عصیا نگر ،
بجنب از جا !...
بجنب ازجا، چو موج مست تو فانزا ،
که خیزد ازدل دریا :

غریو انداز و خشم آ گین و ویرا نگر ،
که لرزد پشت دژ خیمان ،
که غلتد کاخ استمگر .
دگرگون گردد از بنیاد این‌نظم ستمگستر !

* * *

بیا....!
بیا ای کارگر،
ای پیشتاز خلق وجنبش رامیهن رهبر! ....
بیاای ازغریوت‌درجهان‌برارتجاع محشر.
بیا هنگامه برپا کن ،
براستبداد غوغا کن،
بپاشو! شوربشکن بشکن‌زنجیر بالاکن.
بخون کش دیـواستثمار، ایـن‌عفریت غارتگر .
که این غول ازتو میترسد، نه از آتوم آتشبار مرگ آور .
تو پرچمدار خلقی ورهائی‌بخش این کشور.
بیا...!
ای کارگر،
ای درنبرد زندگانی گرد رزم آور...!
آیا عصرآفرین نیروی دورانساز عصا نگر. **(بارق شفیعی)**

فردا : عنقریب نشر می شود : آری، فردابامطا لب‌خواند نی‌اش.